

# تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به قانون‌گریزی

(جوانان ۱۴ الی ۲۹ ساله شهر بروجن)

علی رضا ربیعی<sup>۱</sup>

مهراب ملک محمدی<sup>۲</sup>

حسینعلی فجری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۵/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۶/۶

التزام آحاد جامعه به قوانین اجتماعی، یکی از مهمترین ضروریات زندگی در جوامع امروزی است. زمانی که عده ای قوانین اجتماعی و هنجارهای رسمی جامعه را نادیده می‌گیرند، ما با وضعیت قانون‌گریزی روبه‌رو هستیم. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر قانون‌گریزی جوانان شهر بروجن انجام شده است. عوامل اجتماعی شامل مسئولیت‌پذیری، ارزش‌های دینی و سنتی، اخلاق اجتماعی، جنس، وضعیت تاهل، تحصیلات، وضعیت مسکن و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی می‌باشد. متغیر وابسته، قانون‌گریزی جوانان می‌باشد که به عنوان مسئله اصلی تحقیق در نظر گرفته شده است و با هریک از متغیرهای مستقل ذکر شده در ارتباط گذاشته شده است. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق پیمایشی و تکنیک پرسشنامه بر روی ۳۷۶ نفر از جوانان شهر بروجن انجام گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی و تحلیلی و در قالب جداول توزیع فراوانی و در سطح آمار استنباطی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون انجام شده است. نتایج نشان داد که متغیرهای مسئولیت‌پذیری، ارزش‌های دینی و سنتی، اخلاق اجتماعی، استفاده از رسانه‌های گروهی، وضعیت تاهل، وضعیت مسکن و تحصیلات، بر قانون‌گریزی جوانان تأثیری مثبت داشته، اما متغیر جنس بر قانون‌گریزی جوانان بی‌تأثیر بوده است.

**واژگان کلیدی:** قانون‌گریزی، ارزش‌های دینی و سنتی، اخلاق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و رسانه‌های گروهی

---

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان و کارشناس امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان، چهارمحال و بختیاری، ایران  
(نویسنده مسئول)  
Email: ali.reza.rabiei2011@gmail.com

<sup>۲</sup> کارشناس تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مبارکه و رئیس اداره توسعه منابع انسانی و پشتیبانی اداره کل ورزش و جوانان، چهارمحال و بختیاری، ایران

<sup>۳</sup> دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس و رئیس دانشگاه پیام نور، چهارمحال و بختیاری، ایران

## مقدمه

پایبندی افراد جامعه به قوانین اجتماعی یکی از مهم ترین ضروریات زندگی در جوامع امروزی است، زیرا دوام و قوام هر جامعه ای به حفظ نظم و مقررات آن جامعه بستگی دارد و نظم اجتماعی میسر نخواهد شد مگر این که هنجارهای تعریف شده جامعه مورد احترام افراد واقع شود. هنجارهای اجتماعی، هدایتگر رفتار افراد در جامعه است و التزام به آنها موجب حاکمیت نظم در روابط اجتماعی و عدم توجه به آنها سبب بی نظمی، پیدایش مسائل و بحران های اجتماعی می گردد. جامعه با توجه به اهمیت این هنجارها ضمانت های اجرایی متفاوتی (به لحاظ شدت) برقرار می کند. جامعه زمانی به بی نظمی دچار می شود که با نقض مداوم هنجارهای اجتماعی توسط افراد به تدریج ارزش های اساسی آن زیر سؤال رود. در این زمان هر چند جامعه به ظاهر از انسجام اجتماعی برخوردار است، اما این وضعیت با هزینه های (جانی، مالی، فرهنگی، اجتماعی) بالایی همراه است. نظم اجتماعی، از مهم ترین مفاهیم حوزه علوم اجتماعی است و در هر جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است، اما به نظر می رسد وقتی که افراد به رفتارهای خلاف عادت می کنند آن رفتارها از حالت ناهنجار بیرون می آید و در نظر مردم هنجار می شود. این امر سبب می شود که ارزش های منتسب به آن هنجار نیز خواه ناخواه مورد تردید قرار گیرد و انسجام اجتماعی را به خطر اندازد. در هر جامعه ای، قوانین اجتماعی مبنای رفتار افراد در زندگی اجتماعی است. درحقیقت، این قوانین هستند که محدوده های درست و نادرست رفتار افراد را مشخص می کنند و از این طریق نظم اجتماعی را ممکن می سازند. این قوانین که از طریق مجرای رسمی به تصویب می رسد، از سوی برخی از افراد جامعه نادیده گرفته می شود. در این شرایط است که ما با مسئله قانون گریزی در جامعه مواجه خواهیم بود. به همین دلیل، دغدغه اصلی جامعه شناسان همواره پرداختن به مقوله نظم یا بی نظمی اجتماعی بوده و هست، زیرا اساس نظم اجتماعی در هر جامعه مجموعه ای از ارزش ها و هنجارهای اجتماعی است که با پایبندی افراد جامعه به قواعد اجتماعی، نظم اجتماعی در جامعه برقرار می شود و تداوم می یابد و بدون نظم، جامعه دچار نوعی آنومی یا آشفتگی اجتماعی خواهد شد. بی اعتنایی به قوانین و شانه خالی کردن از اجرای درست آنها آثار و نتایج آشکار و پنهانی را در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه در پی خواهد داشت. پایبندی و دلبستگی افراد جامعه به قوانین و اجرای صحیح آنها و یا بی اعتنایی به قوانین و شانه خالی کردن از اجرای درست آنها دارای آثار و نتایج آشکار و پنهان در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می باشد. زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه ای را تهدید و باعث

سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می شود. زندگی در جوامع امروزی بدون وجود قوانین که روابط افراد و نهادها و مؤسسات را تنظیم می کند، تقریباً غیر ممکن به نظر می آید. یکی از مشکلات عمده اکثر کشورهای امروزی به لحاظ حقوقی، میزان و درجه پذیرش واقعی قوانین از سوی افراد جامعه است. هر اندازه میزان پذیرش قانون از سوی اکثریت افراد جامعه کمتر باشد، امکان اجرای درست آنها فراهم نخواهد شد، اجرانشدن قوانین در سطوح خرد و کلان جامعه در بلند مدت مشروعیت قوانین موجود را زیر سؤال می برد. این مسئله می تواند در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی و اخلاقی جامعه اثر گذاشته و احیاناً گسیختگی و بی سازمانی اجتماعی را به دنبال داشته باشد (فخرایی، ۱۳۷۸: ۸۰-۶۴). رعایت قوانین و تعهدات اجتماعی در هر جامعه سبب ایجاد استحکام و ثبات در مناسبات و روابط اجتماعی بین فردی و برقراری آرامش و احساس امنیت جامعه می شود. عدم اجرای درست و کامل نظام حقوقی رسمی و تعهدات نیز بخشی از آسیب های اجتماعی است که می تواند ارکان سلامت روانی و اجتماعی جامعه مورد تهدید قرار دهد و موجب گسترش روحیه بی اعتمادی، سرخوردگی و یاس در جامعه شود. (غلامی، ۱۳۹۱: ۱۴)

جوانی یکی از مهم ترین مراحل زندگی آدمی محسوب می شود و آخرین مرحله تحوّل شناختی و گذار از مرحله «پیرو دیگران بودن» به دوره «مستقل بودن» است؛ دوره ای که نوجوان به هویت واقعی خویش دست می یابد. نوجوان با خود می گوید: «اکنون من دیگر کودک نیستم، یک بزرگ سالم.» در این مرحله، دیگر والدین نمی توانند به او کمک چندانی بکنند؛ چه اینکه وی الگوهای خود را در جای دیگری جست و جو می کند. میل به اظهار وجود و اثبات خود، یکی از طبیعی ترین حالات روانی دوره جوانی است. جوان باید خود را برای زندگی مستقل اجتماعی آماده نماید. تحقق این موضوع، پیش از هر چیز، مستلزم یافتن هویت خویشتن است. اینک او خود را یافته است. اگر بزرگسالان ویژگی های این دوره زندگی او را بشناسند و با آنان برخوردی مناسب داشته باشند، هم نوجوانان به هویت خویش دست می یابند و هم بزرگسالان کمتر احساس نگرانی می کنند. (فولادی، محمد: ۱۲) از این رو، می توان گفت بیشتر انحرافات نوجوانان و جوانان ریشه در ناکامی های اولیه زندگی دارد. هر رفتاری که از آدمی سر می زند، نشات گرفته و متأثر از مجموعه عواملی است که هرگز نمی توان جوان را یکسره مقصر و مجرم اصلی و دیگران را بی گناه دانست. با نگاه فوق، اساساً زمینه پیدایش جرم از بین می رود. از این رو، در پیدایش بزهکاری و رفتارهای نابهنجار و آسیب زا عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه ساز مؤثر هستند که فرد مرتکب شونده، تنها بخشی از قضیه می باشد. در واقع، باید با این نگاه به مجرم نگریست که مجرم یک بیمار است. به تعبیر پریودو داریل: «بزهکار یا مریض است و یا نادان.» باید به درمان و آموزش او پرداخت، نه اینکه او

را خفه کرد. (لوی برول و دیگران، ۱۳۷۱: ۹۷) اصولاً اسلام به پیش‌گیری جرم بیش از اصلاح مجرم اهتمام دارد. به همین دلیل پیش از هر چیز به عوامل به وجود آورنده و زمینه‌های گناه و جرم توجه ویژه دارد و برای مقابله با آن چاره‌سازی کرده است. اسلام، آگاهی، علم و تفکر را مایه اساسی هر نوع پیشرفت و سعادت دانسته، آن را بسیار می‌ستاید و از جهل و نادانی که مایه بدبختی و گناه است، نهی می‌کند. به امر رعایت بهداشت و نظافت عنایت ویژه دارد و برای سلامت روح و روان، به اقامه نماز و دعا امر فرموده و بر داشتن ویژگی‌هایی چون: گذشت، مهربانی و صبوری، حق‌شناسی، سپاسگزاری، رعایت حرمت دیگران، عدل و احسان، توصیه نموده و از صفاتی نظیر نفاق، ریا، دروغ، افترا و تحقیر به شدت بیزاری جسته است. اسلام همه افراد را در برابر اعمال خویش مسئول می‌داند و تأکید می‌نماید که هر کار ریز و درشتی در کارنامه اعمال افراد ثبت و عمل هیچ‌کس ضایع نخواهد شد. در جای خود پس از وقوع جرم و علی‌رغم آن همه التفات و توجه به امر پیش‌گیری و اصلاح و بازپروری، برای مجازات نیز - به عنوان اهرمی برای جلوگیری از تکرار وقوع جرم - تأکید فراوان دارد. در واقع، مجازات‌ها هم در اسلام جنبه پیش‌گیری دارند. (فولادی، محمد: ۱۳) لذا می‌توان گفت اهمیت و ضرورت پژوهش‌هایی مانند پژوهش حاضر، ارائه آمار و اطلاعات دقیق و شفاف از وضعیت قانون‌گرایی و قانون‌گریزی در بین جوانان است تا زمینه هرگونه برنامه‌ریزی و نظارت دقیق و چاره‌اندیشی برای حل مشکلات فراهم آید.

در فرهنگ معین، قانون چنین تعریف شده است: "قانون، قاعده‌ای است که مقامات صلاحیت‌دار (قوه مقننه) وضع و ابلاغ کنند و مبنی بر طبیعت عالم تمدن و متناسب با مصلحت مردم است که همه افراد مملکت باید از آن تبعیت کنند." (معین، ۱۳۶۷: ۲۷-۲۶).

## **اهمیت و ضرورت پژوهش**

روند قانون‌پذیری طی فرایند اجتماعی شدن آدمی، از کودکی به دست می‌آید. اجتماعی شدن فرایندی است که کودکان به کمک آن ارزش‌ها، باورها و معیارهای رفتاری را که فرهنگ‌شان از آنها انتظار دارد، می‌آموزند. به عبارت دیگر، منظور از اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری آن است که یک انسان از بدو تولدش چگونه با جامعه و فرهنگ آن انطباق یابد. افراد از طریق اجتماعی شدن، شیوه‌های زندگی جامعه‌شان را یاد می‌گیرند، شخصیت کسب می‌کنند و آمادگی عمل به عنوان عضو یک جامعه را پیدا می‌کنند. افراد یاد می‌گیرند خودشان را با سیستم جدید انطباق دهند و رفتاری مطابق با انتظارات جامعه از خود بروز دهند. (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۳۵۰). در فرایند قانون‌پذیری چند عامل، نقش بنیادین دارند: خانواده، آموزش و پرورش

(مدرسه)، رسانه‌ها (وسایل ارتباط جمعی) و گروه‌های همسالان. خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی شدن، در روند قانون‌پذیری نقش مهمی دارد. از همان سال‌های نخست زندگی، روش‌های فرزند‌پروری والدین، قبول، طرد و گریز از قاعده و قانون را در کودک شکل می‌دهد. در این خصوص می‌توان به سه روش تربیتی اشاره کرد:

۱- روش تربیتی سهل‌گیرانه: مطابق این روش، والدین قواعد کمی در خانه دارند در چنین جوی، عموماً افراد از تمایلات خود پیروی می‌کنند. کودکان چنین خانواده‌ای، به قواعد تقیدی ندارند.

۲- روش تربیتی فرزند‌پروری سخت‌گیرانه: والدین بیشتر بر اعمال قدرت با توسل به زور، به انضباط اجباری تأکید دارند. کودکان در این محیط، به ظاهر از قواعد پیروی می‌کنند، ولی در شرایط مقتضی اعمال پرخاشگرانه و ناقض قواعد را پیش می‌گیرند تا اضطراب و خشم خود را نسبت به مراجع قدرت در خانواده فرو نشانند.

۳- روش فرزند‌پروری قاطع و اطمینان‌بخش: ارتباط گرم و پذیرایی والدین با قواعد شفاف در خانه، فرزندان را با کفایت و قانون‌پذیری می‌پرورد. والدین از کودک، پیروی از قواعد را می‌طلبند و در عین حال، درباره توقعات خود به کودک توضیح می‌دهند. کودک در فرایند همانندسازی و تقلید، واکنش نسبت به قاعده و قانون را می‌آموزد. واکنش بزرگسالان هم، نسبت به قانون از دید کودک پنهان نمی‌ماند. او ممکن است گاه واکنش‌های بزرگسالان نسبت به قانون را تکرار کند، ولی این تکرارها، پایه عادت را در کودک بنا می‌نهد و به گونه‌ی ظریفی واکنش نسبت به قانون را درونی می‌کند. مراکز آموزش رسمی مانند مدارس و دانشگاه‌ها، عامل دیگری در روند قانون‌پذیری و قانون‌مند شدن افراد جامعه هستند. مدرسه به مثابه نهاد فرهنگی، به کودک جهان بینی، مهارت و دانش خاصی را منتقل می‌کند. همه عناصر آموزشگاه می‌توانند جلوه‌هایی از قانون‌گرایی و قانون‌گریزی باشند. محتوای کتاب‌ها باید به گونه‌ای طراحی شود که در عین تناسب با سطح شناختی فراگیران، به تربیت روحیه قانون‌مندی بینجامد. فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مدارس، رفتار اولیای مدارس با فراگیران و برنامه‌ها باید جلوه‌هایی از قانون‌مندی باشند. هر گونه تسامح در تدوین کتاب‌های درسی یا اهمال اولیای مراکز آموزش رسمی در واکنش به قوانین اجتماعی می‌تواند در روند قانون‌گرایی اخلاقی ایجاد کنند. از سوی دیگر، آموزش‌های غیررسمی هم سو با آموزش رسمی می‌تواند با دراختیار گذاشتن سرمشق، افراد را به قانون‌پذیری یا قانون

گرایی سوق دهند. در این میان، نقش رسانه های گروهی به ویژه تلویزیون قابل توجه است. تلویزیون با برجستگی هایی نظیر سرعت، تنوع و جلوه های دیداری و شنیداری، رسانه ای بسیار تأثیرگذار است. برنامه های سیما می توانند متناسب با سطح شناختی مخاطبان خود با ارائه شخصیت های جذاب، نشاط انگیز، مثبت و خردمند، الگوی قابل درکی از قانون مندی را عرضه کنند و با برجسته سازی پیامدهای رفتار قانون مند، بیننده را در یک همانندسازی با فرد قانون مند قرار دهند. همین توجه و حساسیت را باید در کتاب، مجلات و سایر رسانه ها داشت. (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۳۵۲)

### **پیشینه پژوهش های انجام شده**

به طور کلی وجه مشترک مطالعات زیر و سایر پژوهش های داخلی که در این حوزه انجام شده، این است که اغلب با روش شناسی کمی و تکنیک پیمایش به بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی پرداخته و بیشتر ماهیت نگرش سنجی داشته اند. از آنجا که این پژوهش به بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی می پردازد، می تواند تکمیل کننده کارهای پیشین باشد. همچنین، از نتایج تحقیقات پیشین به عنوان راهنما در تحقیق حاضر استفاده شده است.

محسنی در پژوهشی به بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران پرداخته است. روش تحقیق، پیمایشی و نمونه آماری پژوهش فوق را ۳۵۴۰ نفر از افراد ۱۶ سال به بالای کشور تشکیل داده اند. محقق در پایان مطالعه توصیفی - مقطعی خود به این نتیجه رسیده است که در ایران تمایل به قانون‌گریزی وجود ندارد. همچنین، یافته های پژوهش وی نشان داد که بین جنسیت و وضعیت تأهل پاسخگویان و نگرش آنها در رابطه با اطاعت از قانون رابطه معناداری وجود نداشت، ولی بین سن پاسخگویان و اطاعت از قانون رابطه معنی داری وجود داشت؛ بدین معنی که جوان ترها بیشتر موافق عدم اطاعت از قانون هستند. ایشان در مورد متغیرهای فرهنگی یادآور شدند که با ارتقای سطح سواد، نگرش مبتنی بر اطاعت از قانون تقویت می شود. همین طور با کاربرد بیشتر رسانه ها و مطبوعات توجه به قانون بیشتر می شود، اما استفاده از نوارهای ویدئویی در برخی از افراد گرایش به عدم اطاعت از قانون را تقویت می کند. علاوه بر این، نگرش در باره اطاعت از قانون رابطه معنی داری با شاخص رضایت اجتماعی نشان نمی دهد. از نتایج دیگر این تحقیق می توان گفت کسانی که خانوار خود را از نظر رفاه در سطح پایین تری ارزیابی می کنند، مخالفت بیشتری با عدم اطاعت از قانون ابراز کرده اند. همچنین، از نظر شغلی تمایل به عدم اطاعت از قانون در میان

کارگران و کسبه از سایر قشرهای دیگر قوی تر و در گروه کارمندان و بازرگانان از دیگران ضعیف تر است. تمایل به عدم اطلاعات از قانون در میان بازنشستگان کمتر و در میان بیکاران بیشتر است. در خانوارهای کم درآمد، تمایل به نادیده گرفتن قوانین قدرت بیشتری دارد و به موازات ارتقای موقعیت طبقاتی بر توجه به قانون افزوده می شود. (محسنی، ۱۳۷۹)

رضایی در زمینه میزان و نوع عوامل مؤثر بر قانون‌گزینی به تحقیق پرداخته است. یافته های به دست آمده از تحقیق وی نشانگر آن است که احساس آنومی، میزان رواج زور در جامعه، خاص گرای، تصور از میزان اعمال نظارت و اعتماد به نظام سیاسی، بیشترین تأثیر را نسبت به سایر متغیرها بر قانون‌گزینی ابزاری داشته است. متغیرهای یاد شده در مجموع ۲۹ درصد واریانس قانون‌گزینی ابزاری را تبیین می کنند. احساس آنومی، میزان رواج زور در جامعه، خاص گرای، اعتماد به نظام سیاسی، تحصیلات، سن و ارزیابی از قطعیت نظام تنبیهی حدود ۵۰ درصد واریانس متغیر قانون‌گزینی اعتراضی را تبیین می کنند. قانون‌گزینی اخلاقی بیش از همه تابع خاص گرای، اعتماد به نظام سیاسی و سن است. متغیرهای مذکور در مجموع ۱۵ درصد واریانس قانون‌گزینی اخلاقی را تبیین می کند. شاخص کلی قانون‌گزینی که از سه شاخص قانون‌گزینی اخلاقی، اعتراضی و ابزاری ساخته شده بیشترین رابطه را با احساس آنومی و میزان رواج زور در جامعه داشته است. یافته های دیگر این پژوهش نشان داد که متغیرهای تصور از میزان اعمال نظارت، ارزیابی از قطعیت نظام تنبیهی، اعتماد به نظام سیاسی و خاص گرای بیشترین تأثیر را بر شاخص کلی قانون‌گزینی دارند (رضایی، ۱۳۸۴).

کلانتری، ربانی و صداقت، عوامل فردی و فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر قانون‌گزینی و قانون‌گزینی شهروندان تبریز را مورد بررسی قرار دادند. یافته های این پژوهش پیمایشی نشان می دهد که قانون‌گزینی زنان و شهروندان متأهل بالاتر از مردان و شهروندان مجرد است. همچنین، قانون‌گزینی طبقات پایین نسبت به طبقات متوسط و بالای جامعه بیشتر بود. قانون‌گزینی به متغیرهای شهروندی، مشارکت اجتماعی، نگرش دینی و نگرش به قانون بستگی دارد؛ به طوری که هر چه سطح مشارکت اجتماعی شهروندان همراه با عدم فقر فرهنگی و اجتماعی باشد، به همان مقدار نیز قانون‌گزینی آنان بالاتر است. (کلانتری، ربانی و صداقت، ۱۳۸۴).

فیروزجائیان نیز به بررسی قانون‌گزینی از منظر نظریه عدالت رویه ای پرداخته است. یافته های این پژوهش که به صورت پیمایشی انجام شده، نشان می دهد که وقتی افراد رویه های اجرای قانون را منصفانه و عادلانه ندانند، قانون‌گزینی آنان کاهش می یابد و این در حالی است که فقدان عدالت رویه ای در اجرای

قانون موجب بی اعتمادی و عدم مشروعیت مجریان قانون نزد مردم می شود که این خود قانون‌گریزی افراد را در جامعه در پی دارد. این سه متغیر (عدم عدالت رویه ای، بی اعتمادی مدنی و عدم مشروعیت) با هم ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را مورد تبیین قرار می دهند. تأثیر متقابل این متغیرها موجب قانون‌گریزی افراد در جامعه می شود. در حقیقت در این وضعیت، مردم قانون‌گریزی را به اطاعت از قانون ترجیح می دهند. (فیروزجائیان، ۱۳۸۹).

از نظر گیدنز، قانون عبارت است از: "هنجارهایی که توسط حکومت‌ها به عنوان اصولی که شهروندان شان باید از آنها پیروی کنند تعریف شده اند و علیه کسانی که از قوانین پیروی نمی کنند از ضمانت‌های اجرایی رسمی استفاده می شود". البته، هر جا که قانون وجود دارد، جرم نیز هست، زیرا ساده‌ترین تعریف جرم عبارت است از: هر شیوه رفتاری که قانون را نقض می کند. (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۳۳) پس قانون‌گریزی، رفتاری است که در مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می گیرد و قانون‌گریز، کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می گیرد (فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۳۸۵). با توجه به اینکه همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می کنند و کسانی هم هستند که همیشه قوانین را نادیده می گیرند، بنابراین قانون‌گریزی، طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و ...) تا قانون‌گریزی گاهگاهی، غیر خشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و ...) را در بر می گیرد. به قانون‌گریزی نوع اول، قانون‌گریزی سخت و به قانون‌گریزی نوع دوم، قانون‌گریزی نرم می‌گوییم. (علی بابائی، فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۱۲)

آنچه مسلم است این که افراد کمتری در هر جامعه مرتکب قانون‌گریزی از نوع اول می شوند، در حالی که همه افراد جامعه به نوعی مرتکب قانون‌گریزی از نوع دوم می شوند؛ به طوری که این نوع رفتار در جامعه به شکل عادت و امری معمول و حتی پذیرفته شده از دیدگاه عموم مردم درآمده است. منابع کنترل قانون‌گریزی، منابعی هستند که فرد را براساس تعهد، دلبستگی، اعتقادات و همنوایی با سازمان‌ها یا آشنایان در معرض ارزیابی رفتاری قرار می دهند. به عنوان مثال، اگر فردی در یک گروه دینی یا انجمن خدمات عمومی عضویت داشته باشد، دارای منبع کنترل بیرونی است و اگر نسبت به جامعه و انسان احساس مسئولیت کند، دارای منبع کنترل درونی است. (کلانتری، ربانی و صداقت، ۱۳۸۴: ۷)

## چارچوب نظری پژوهش

نظریه‌های تبیین‌کننده متغیر وابسته (نگرش به قانون‌گریزی)



جامعه‌شناسان برای تبیین رفتارهای نابهنجار و تخلف‌آمیز افراد براساس رویکردهای نظری، تعبیر و تفسیرهای مختلفی ارائه می‌دهند. قانون‌گریزی ابعاد گوناگونی دارد:

۱. قانون‌گریزی سخت: به هر نوع رفتاری که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و دارای ویژگی خشونت‌آمیز، دائمی و همراه با مجازات شدید باشد، قانون‌گریزی سخت گفته می‌شود. در بیشتر مواقع، در اثر این نوع قانون‌گریزی فرد خاصی آسیب می‌بیند. این نوع قانون‌گریزی در جامعه به عنوان جرم شناخته می‌شود و به افرادی که این نوع قانون‌گریزی از آنها سر می‌زند، مجرم می‌گویند. سرقت، قتل و قاچاق مواد مخدر نمونه‌هایی از این نوع قانون‌گریزی هستند.

۲. قانون‌گریزی نرم: به هر نوع رفتاری که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و دارای ویژگی غیرخشونت‌آمیز، گاه‌گاهی و عمدتاً بدون مجازات یا مجازات ضعیف باشد، قانون‌گریزی نرم گفته می‌شود. در نتیجه این نوع قانون‌گریزی، عمدتاً جامعه آسیب می‌بیند. این نوع قانون‌گریزی در جامعه، به عنوان جرم در نظر گرفته نمی‌شود و کمتر عکس‌العملی منفی در برابر این نوع قانون‌گریزان دیده می‌شود. این نوع قانون‌گریزی به دلیل فراوانی و سهولت در انجام آن بیشتر به صورت عرف در جامعه درآمده است. نادیده گرفتن قوانین رانندگی، ندادن مالیات یا عوارض و استفاده از کپی‌های غیرمجاز نمونه‌هایی از این نوع قانون‌گریزی در جامعه است. (علی بابائی، فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۱۶) در ادامه، به طور خلاصه مهمترین نظریه‌های تبیین‌کننده قانون‌گریزی بیان می‌شود:

- نظریه ساختی-کارکردی: در این تبیین، پدیده کجروی و رفتار انحرافی، در راستای برهم خوردن نظم اجتماعی موجود و به عنوان خطری برای ثبات نظام اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه، این ساختارهای کلی جامعه است که شرایطی مثل نابرابری را به وجود می‌آورند که در آن افراد برای رسیدن به ارزش‌های مطلوب جامعه دست به کجروی می‌زنند. دورکیم و مرتن دو نظریه‌پرداز این رویکردند. از نظر کارکردگرایان، بی‌قانونی و اعمال خلاف مقررات، برای خلافکاران و قانون‌گریزان کارکرد مثبت و سازنده دارند و منافع آنها را برآورده می‌سازد. لذا آنها حاضر نیستند از منافع خود چشم‌پوشند و از اعمال خلاف قانون دست بردارند. (خاتمی، ۱۳۷۷: ۷)، به زعم پیروان این مکتب، کجروی محصولی از زندگی جمعی انسان است. (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۳۲)
- نظریه بی‌هنجاری: از نظر دورکیم هنجارهای اجتماعی پیشین و بی‌اعتبار شدن سنت‌ها و پیوندهای گروهی معمول به واسطه پیشرفت و توسعه اجتماعی، علت اصلی شرایط بی‌هنجاری و آنومیک است.

با این حال، وی معتقد بود که هیچ جامعه ای به وضعیت بی هنجاری کامل نمی رسد، اما در برخی شرایط، میزان بی هنجاری در روابط اجتماعی و بخش های خاصی از جامعه اوج می گیرد. به زعم وی، زمانی که قواعد اجتماعی در جوامع پیچیده ای که با کاهش همبستگی و وفاق روبه روست، کمتر التزام آور می شود و مردم احساس می کنند که از فشار هنجارهای اجتماعی کاسته شده است، آنگاه افزایش انحرافات همچون جرم و قانون گریزی اجتناب ناپذیر می شوند. دورکیم این وضعیت جامعه را آنومی یا بی هنجاری می خواند. (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۴۰) آنومی از نظر مرتن، حاصل شرایطی است که در آن هنجارها به عنوان شیوه های جمعی حصول موفقیت نمی توانند به خوبی عمل کنند. در نتیجه، شیوه های فردی برای کسب موفقیت جایگزین می شوند. به عقیده مرتن، آنومی به فشاری اطلاق می شود که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر رفتار افراد وارد می شوند. مفهوم آنومی در نظریه مرتن حاصل شرایط نابسامان ساختاری است؛ وضعیتی که در آن تناسبی بین اهداف نهادی شده و وسایل نهایی شده جامعه (هنجارها) وجود ندارد- این وضعیت ساختاری، کنشگران را به سوی قانون گریزی سوق می دهد. به نظر وی، جامعه ای آنومیک است که در آن خواست ها و نیازهای اجتماعی، تناسب معقولی با وسایل و امکانات برای برآوردن آن نیازها و خواست ها نداشته باشد. (معیدفر، ۱۳۷۹: ۲۱۶)

- نظریه همنشینی افتراقی: ساترلند اصطلاح همنشینی افتراقی را به عنوان تبیینی از رفتار انحرافی به کار برد. در این نظریه، برخلاف نظریه آنومی مرتن که با نرخ های رفتار نابهنجار تحت موقعیت های معین سر و کار دارد، به جنبه های تعاملی منحرف شدن تمرکز دارد. تأکید این نظریه بر فرایندهای تعاملی است که فرد از طریق آنها رفتار قانون شکنان را فراگرفته و ظاهر می سازد. فرض اصلی ساترلند این است که مردم در معاشرت با دیگران ارزش ها، هنجارها، انگیزش ها، استدلال های عقلانی و شیوه های رفتاری انطباقی و غیر انطباقی را می آموزند. (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۴۵)

- نظریه کنترل اجتماعی: اساس این نظریه بر این محور است که انسان موجودی است دارای امیال نامتناهی و از این منظر به دیدگاه دورکیم و هابز نزدیک است. موضوع مورد نظر این تئوری این است که چه عواملی باعث محدود شدن رفتار می گردد یا به عبارت دیگر، به جای این که بپرسیم چرا کجروی واقع شده است، باید سوال کنیم که چرا همه مردم هنجارشکنی نمی کنند. (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

هیرشی، عمل کجروی را ناشی از فقدان کنترل اجتماعی می داند. وی استدلال می کند آنانی که پیوند

قوی با جامعه دارند، از شکستن قواعد و معیارهای آن خود داری می کنند و آنهایی که با هنجارهای جامعه پیوند ضعیفی دارند و یا هیچ پیوندی را با آنها ندارند، برای کجروی مستعدتر و آزادتر هستند. هیرشی، عناصری از قبیل دلبستگی فرد به افراد خانواده و نهادهای اجتماعی، تعهد نسبت به جامعه، مشارکت در نقش ها و فعالیت های اجتماعی و باور و وفاداری فرد به ارزش ها و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی را پیوند دهنده افراد به یکدیگر و جامعه می داند. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۳۹۰)

- نظریه تضاد: استدلال پیروان این نظریه در مورد اطاعت از قانون این است که دستگاه حقوق جامعه در این جهت طراحی شده است که نظام عدم تساوی را تضمین و تقویت کند. قانون، ابزاری است که از طریق برگزیدگان به منظور سلطه و نظارت بر طبقات پایین جامعه مورد استفاده قرار می گیرد. (محسنی، ۱۳۷۸: ۸۱) در تبیین قانون پذیری و قانونگرایی بر پایه رویکرد تضاد، صاحب نظرانی چون هاروی به نیاز و توزیع عادلانه، گاگلر بر تأکید بر تضاد طبقاتی و نابرابری بر نابهنجاری و جرم، تیتل و میلر بر گسترش فرهنگ فقر و طبقات پایین و رشد محرومیت ها، همچنین فارست و پال بر تأثیر فضا و نابرابری اجتماعی در سطح دستمزدها و درآمدها و برخورداری از خدمات اساسی همراه با ساختار شغلی نابرابر و فقیرانه تأکید دارند. (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۲۵)

- نظریه بی سازمانی اجتماعی: پیروان این دیدگاه معتقدند که پدیده هایی نظیر مهاجرت، صنعتی شدن و رشد سریع شهری، موجبات زیر پا گذاشتن یا عدم پیروی از الگوهای تثبیت شده و کاملاً سازمان یافته زندگی را فراهم می آورند و این الگوها به طور متقابل به وسیله قواعد رفتاری که از توافق عمومی برخوردار هستند، هدایت می شوند. قواعد مذکور در مواقعی که تغییر اجتماعی سریع به وجود می آید، از هم پاشیده می شوند. از این رو، مردم معیارهای را که به روابط و رفتارهای آنها نظم می بخشد، از دست می دهند. به دنبال بی سازمانی اجتماعی حاصل در مناطقی که به وسیله جمعیت های ناپایدار مشخص می شود، زمینه های مناسبی برای تخطی از قانون به وجود می آید. (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۴۶)

- نظریه همبستگی اجتماعی: دورکیم جوامع را به دو نوع تقسیم می کند: همبستگی مکانیک و همبستگی ارگانیک یا اندامی. همبستگی نوع دوم که به همبستگی ارگانیکی نیز شهرت دارد، ناشی از تقسیم کار در جامعه جدید و «مستلزم آن است که افراد با هم فرق داشته باشند». همبستگی مکانیکی، همبستگی از راه همانندی است. در همبستگی ارگانیکی، چون افراد در جامعه دیگر همانند و یکسان نیستند، بلکه هر کدام در رشته خاصی تخصص دارند که دیگری نمی داند و هرکدام نیاز دیگری را برطرف

می‌کنند، همین نیازمند بودن همبستگی‌آفرین است. این نیازمندی را دورکیم به اندام‌های موجود زنده تشبیه می‌کند که هرکدام وظیفه خود را انجام می‌دهند و همانند هم نیستند، ولی همگی برای حیات موجود زنده باهم همکاری و همبستگی دارند (گیدنز، ۱۳۸۳). نکته قابل توجه آن است که سلامت هر جامعه با میزان درجه همبستگی اجتماعی مرتبط می‌باشد و همبستگی اجتماعی، درجه سلامت و همسویی افراد جامعه را مشخص می‌کند. در جامعه ای که همبستگی اجتماعی قوی‌تر باشد، افراد جامعه را در کنار یکدیگر حفظ می‌کند و عکس این قضیه قابل تصور می‌باشد. بدین منوال با شناخت میزان و عوامل تقویت کننده همبستگی اجتماعی در جامعه می‌توان گام‌های مؤثری در رعایت قانون‌های موجود در جامعه برداشت.

- نظریه کنش: ارزش‌های دینی در بافت کنش اجتماعی تجسم یافته است و در دادن معنایی به آن سهیم است، هر چند در برخی صورت‌های افراطی زهد و ریاضت هر نوع اعتبار دین را انکار می‌کند. تعالیم وبر، کارایی اجتماعی تجربه ارزش‌های دینی را یاد آوری می‌کند. وبر به ارزش‌های دین به عنوان بعد محوری فرهنگ اشاره می‌کند. وی معتقد است با آغاز مدرنیته، جهان به سمت تهی شدن از معنا پیش می‌رود و در عصر بوروکراسی به جای کسب نوعی تعالی، توجه اصلی بشر بر کارایی و عقلانیت است. با این تفاسیر زندگی مقصد و معنی خود را گم کرده و انسان‌ها در دامی افتاده‌اند که او آن را قفس آهنین بوروکراسی پوچ و عقلانیت بی‌معنا نامیده است. وبر با تاکید بر اهمیت محوری و تقریباً همه جانبه باورهای دینی در زندگی بشر فضایی برای استقلال فرهنگ ایجاد می‌کند. اگر توجه داشته باشیم که انسان‌ها معمولاً رفتارهایشان براساس انگیزه و هدف خاصی صورت می‌گیرد، می‌توان با مطالعه تأثیر ارزش‌های دینی بر ظهور انگیزه، برای رفتارها در انسان به تأثیر ارزش‌های دینی بر رفتار پی‌برد. ارزش‌های دینی و سنتی برای ایجاد انگیزه در انسان، برای انجام رفتار مناسب که از جمله می‌توان به رعایت قانون اشاره کرد ضرورت دارد. دلیل آنها این است که تنها پاداش و عقاب الهی است که می‌تواند انگیزه انجام رفتار مناسب باشد و غیر از این نمی‌تواند انگیزه‌ای وجود داشته باشد. با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان چنین بیان کرد که ارزش‌های دینی و سنتی می‌تواند با ابزارها و سازوکارهای خاص خود انگیزه لازم برای انجام اعمالی از سوی جوانان به منظور رعایت قوانین موجود در جامعه را ایجاد نماید.

نظریه های تبیین کننده متغیرهای مستقل (عوامل مؤثر بر نگرش به قانون‌گریزی)

- آشفته‌گی یا احساس آنومی: یکی از عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر قانون‌گریزی، آشفته‌گی اجتماعی یا احساس آنومی است. زمانی که افراد احساس کنند هرج و مرج جامعه را فرا گرفته است یا به تعبیر دیگر، در جامعه زور جریان دارد و هر که زور بیشتری داشته باشد بهتر می‌تواند به اهدافش برسد، در این وضعیت احترام به قانون جایگاهی ندارد- تحقیقات تأثیر مثبت این عامل بر قانون‌گریزی را نشان می‌دهند. (رضائی، ۱۳۸۴:۱۳) در حقیقت، بین درجهٔ قانون‌پذیری پاسخگویان و نگرش آنها در مورد رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی از سوی مردم، رعایت انضباط اجتماعی، رعایت ساعات کار در ادارات، پرداخت به موقع مالیات، پرداخت. به موقع هزینهٔ آب، برق، تلفن و گاز و رعایت حقوق همدیگر، رابطهٔ معناداری مشاهده شده است. (فخرایی، ۱۳۷۸:۲۵)
- آگاه نبودن از قوانین: یکی دیگر از عواملی که موجب قانون‌گریزی افراد در جامعه می‌شود، آگاه نبودن آنان از قوانین است. قطعاً وقتی افراد با محتوای قوانین آشنا نباشند نمی‌توانند به آن پایبند باشند. اطلاع نداشتن از قانون که می‌تواند ناشی از مطابق نبودن قانون و عرف یا ناشی از جدید بودن موضوع قانون مصوب یا پیچیده تر شدن قانون مانع از قانون‌مداری افراد جامعه خواهد بود. (عبدی، ۱۳۸۱:۴۶)
- توسعهٔ ناموزون شهری: توسعهٔ ناموزون شهری که با کاهش کنترل غیر رسمی بر افراد همراه است، موجب افزایش قانون‌گریزی در جامعه می‌شود. تحقیقی که در همین زمینه به روش طولی و تطبیقی انجام شده است نشان می‌دهد که با افزایش توسعهٔ (ناموزن) شهری و میزان صنعتی شدن شهرها، میزان قانون‌گریزی (قتل، سرقت، ضرب و جرح و ...) افزایش می‌یابد. (علیوردی نیا، ۱۳۷۸:۵۲) این موضوع بیانگر آن است که با گذار جامعه از مرحلهٔ سنتی به سوی توسعه، افراد جامعه به خوبی ارزش‌ها و هنجارهای مدرن را در خود درونی نمی‌کنند و این موضوع به همراه کم شدن کنترل غیررسمی در جامعه و ضعف کنترل رسمی، افراد را به سوی تخطی از هنجارهای جامعه سوق می‌دهد. از منظر دورکیم به این شرایط "وضعیت آنومیک" گفته می‌شود.
- پایگاه اقتصادی - اجتماعی: شاید مهم‌ترین و برجسته‌ترین متغیر در تبیین پایبندی و عدم پایبندی به هنجارهای اجتماعی «پایگاه اقتصادی - اجتماعی» باشد. در بیشتر پژوهش‌هایی که این متغیر مطرح و در تحلیل‌ها وارد شده، تأثیر آن در ابعاد مثبت و منفی نمایان گردیده است؛ به این معنا که وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد در ارتباط با برخی هنجارهای اجتماعی تأثیرات مثبت و در مورد برخی دیگر تأثیرات منفی داشته است. این تأثیرات به موقعیت فرد از لحاظ داشتن پایگاه وابسته است.

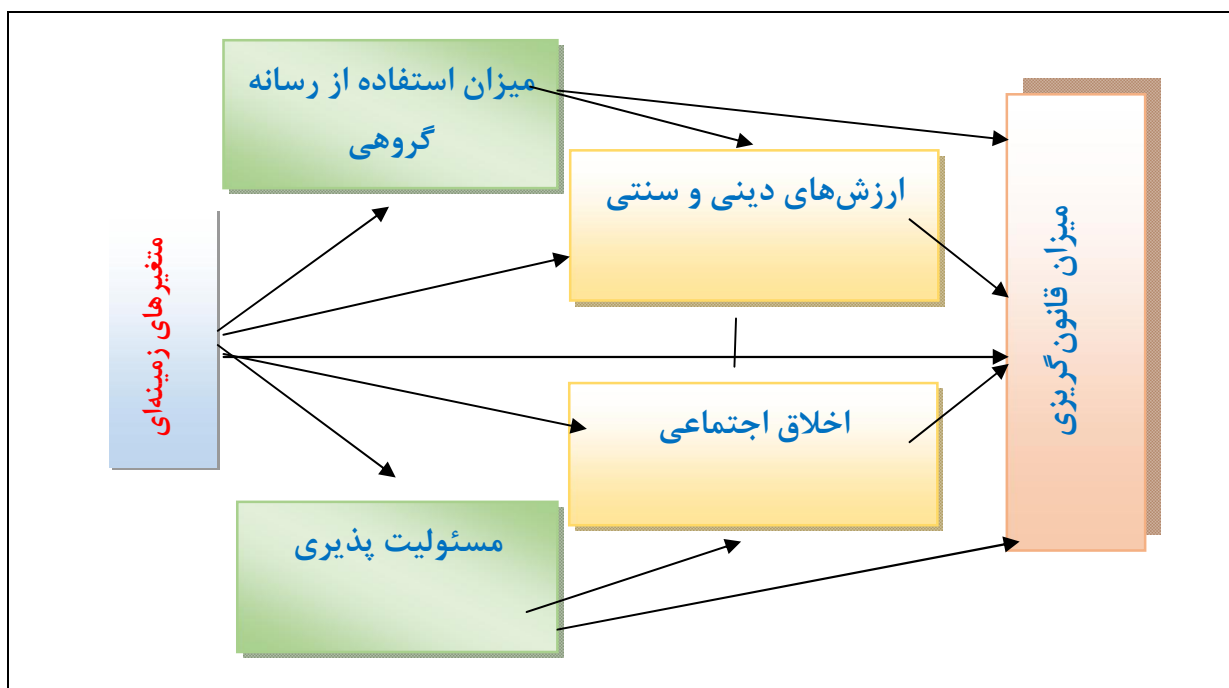
- محل سکونت: در مورد محل سکونت هم باید گفت که شهرنشینان نسبت به کسانی که در روستا به سر می‌برند، بیشتر قانون‌گریزند. این موضوع را می‌توان به موضوع مهاجرت نسبت داد، زیرا نرخ بالای مهاجرت به شهرها موجبات قانون‌گریزی را فراهم می‌کند و مهاجرت افراد به شهرها بسیاری از مسائل اجتماعی را به همراه دارد که نتایج آن قانون‌گریزی است. رها شدن افراد از کنترل اجتماعی غیر رسمی و تعارضات فرهنگی که افراد دچار آن می‌شوند، زمینه‌شکل‌گیری رفتار انحرافی را در آنها مهیا می‌سازد. البته زمینه و شرایط قانون‌گریزی برای کسانی که در روستا زندگی می‌کنند، کمتر از افرادی است که در شهرها زندگی می‌کنند. (رازقی، ۱۳۷۸: ۴۷)
- وضعیت خانواده: خانواده به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی، تأثیرات عمیقی بر پایداری افراد به هنجارهای اجتماعی دارد. خانواده نقش مهمی را در جامعه پذیری افراد در طول دوران زندگی بازی می‌کند. از این رو، ثبات خانواده و عدم تضاد و اختلافات درونی، آموزش الگوهای رفتاری هنجارمند و اجتماعی، تقویت قواعد مثبت زندگی اجتماعی و کنترل اجتماعی و ... که خود محصول ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده هستند، از جمله زمینه‌ها و بستریهایی به شمار می‌روند که می‌توانند در تحلیل پایداری به هنجارهای اجتماعی افراد مورد توجه قرار گیرند. پژوهش‌ها و تحقیقات بررسی شده نیز در موارد متعدد تأثیرات عامل خانواده را در پایداری یا عدم پایداری به هنجارهای اجتماعی نشان داده‌اند. مذهبی بودن خانواده، تنش بین والدین، پیوند عاطفی با والدین و فرزندان و نظارت اجتماعی والدین از جمله مصادیق این تأثیر هستند. (علیخواه، ۱۳۷۸: ۸۸)
- فردگرایی: فردگرایی یا ترجیح منافع فردی نسبت به منافع جمعی بر رفتار قانون‌گريزانه تأثیر مثبت دارد؛ یعنی هر چه افراد در جامعه به جای توجه به منافع عمومی و جمعی به دنبال رفتارهای سودباورانه و خودخواهانه باشند، کمتر تمایل به تبعیت از قوانین دارند. در چنین جامعه‌ای، افراد فقط به دنبال آن هستند که گلیم خود را از آب بیرون بکشند. البته این موضوع تا حدود زیادی تحت تأثیر ویژگی‌های تربیتی، شخصیتی و فرهنگی جامعه است که به جای در نظر گرفتن جمع و موفقیت آن، پیگیری منافع شخصی البته به هزینه جامعه مدنظر است. باید توجه داشت که فردگرایی به خودی خود بد نیست، بلکه به قول دورکیم این فردگرایی افراطی است که معادل خودخواهی، حاصل گسستن فرد از پیوندهای اجتماعی و منشأ شر است. در فردگرایی خودخواهانه التزام افراد به قواعد و هنجارهای

جامعه سیاسی که دولت نمایندگی آنها را بر عهده دارد ضعیف می شود. این فردگرایی به آنومی منجر خواهد شد. (گیدنز، ۱۳۸۱: ۱۴۰-۱۳۷)

- مذهب و اعتقادات مذهبی: یکی از مؤثرترین متغیرهایی که توان تبیین بالایی در پابندی به هنجارهای اجتماعی یا اجتناب از نابهنجاری ها دارد، متغیر مذهب و اعتقادات مذهبی است. این متغیر هر چند خود وابسته به سایر ویژگی های اجتماعی است و از عوامل مختلفی تأثیر می پذیرد، اما در جایگاه متغیر مستقل، نقش بسیار مهمی در تبیین پابندی به هنجارهای اجتماعی دارد. پابندی های مذهبی بالاترین تأثیر را بر «اعتماد» و «ملاحظات» نشان می دهند، یعنی افراد با پابندی های مذهبی بیشتر، اعتماد و ملاحظات اجتماعی بیشتر دارند. (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۲) باید توجه داشت که اعتماد یکی از مهم ترین متغیرهای تأثیرگذار بر قانون گرایی یا قانون گریزی است. رعایت حجاب و نگرش مثبت به آن ناشی از اعتقادات مذهبی و پابندی افراد جامعه به ارزش های دینی است. (کرمانشاهیان، ۱۳۸۲: ۲۱)
- نگرش دینی بر قانون گریزی اثر مستقیم دارد؛ یعنی با افزایش نگرش دینی، نگرش به قانون نیز افزایش می یابد و از تجربه عینی قانون گریزی در جامعه کاسته می شود (کلانتری، ربانی و صداقت، ۱۳۸۴: ۴۵). این بدان دلیل است که دین دارای کارکرد پیوستگی و یگانگی اجتماعی است. در حقیقت، دین در قالب اعتقادات و مناسک، افراد را به جامعه پیوند می دهد.

## مدل نظری پژوهش

متغیرهای مستقل		متغیر وابسته
متغیرهای مستقل	متغیرهای مستقل اصلی	
زمینه ای	عوامل دروندادی	



## فرضیه‌های پژوهش

### فرضیه‌های دو متغیره

۱. بین ارزش‌های دینی و سنتی و میزان قانون‌گریزی جوانان رابطه وجود دارد.
۲. بین اخلاق اجتماعی و میزان قانون‌گریزی جوانان رابطه وجود دارد.
۳. بین مسئولیت پذیری و میزان قانون‌گریزی جوانان رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان استفاده از رسانه گروهی و میزان قانون‌گریزی جوانان رابطه وجود دارد.
۵. بین متغیرهای زمینه‌ای (جنس، سن، میزان تحصیلات، وضع تاهل، نوع مسکن، ...) و میزان قانون‌گریزی جوانان رابطه وجود دارد.

### فرضیه چندمتغیره

متغیرهای مستقل زمینه‌ای (جنس، سن، میزان تحصیلات، وضع تاهل، وضع مسکن، ...) و متغیرهای مستقل اصلی (ارزش‌های دینی و سنتی، اخلاق اجتماعی، مسئولیت پذیری و میزان استفاده از رسانه گروهی) بر متغیر وابسته (میزان قانون‌گریزی جوانان) تأثیر معناداری دارد.



## روش‌شناسی پژوهش

### روش تحقیق

در این پژوهش از بین روش‌های تحقیق توصیفی در علوم اجتماعی، روش توصیفی-پیمایشی به کار گرفته شده است. هر چند پرسشنامه، ساده‌ترین تهیه ماتریس داده‌های ساخت‌مند و رایج‌ترین تکنیک مورد استفاده در تحقیق‌پیمایشی است، با این حال هیچ ارتباط ضروری و قطعی بین روش‌پیمایشی و ابزار پرسشنامه وجود ندارد. در تحقیقات اسنادی از متون و منابع فارسی و در قسمت‌پیمایشی تحقیق از ابزار پرسشنامه به منظور جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

### جامعه آماری

طبق آمار سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد کل جمعیت شهر بروجن بالغ بر ۵۲۶۹۴ نفر می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه افراد بین ۱۴ الی ۲۹ سال شهر بروجن می‌باشد که تعداد آنها ۱۷۴۲۱ نفر می‌باشد. حجم نمونه: در این پژوهش به دلیل بزرگ بودن جامعه آماری از فرمول کوکران استفاده شده است. در تعیین اندازه نمونه این پژوهش با توجه به نسبت  $p=0/5$  و سپس با استفاده از فرمول کوکران «با اندازه جامعه ۱۷۴۲۱ نفر» و سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای معیار برآورد  $d=0/05$  اندازه نمونه به شرح زیر برابر با ۳۷۶ نفر برآورد گردید.

### روش نمونه‌گیری

در این پژوهش به دلیل گستردگی جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده و پس از تعیین خوشه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بهره‌گیری شده است. نمونه‌گیری در شهر بروجن در فاصله ۵ روز توسط پژوهشگران صورت پذیرفت. همچنین، پس از دستیابی به نقشه شهر بروجن بر اساس تقسیم‌بندی شهرداری، تعیین گردید که ۳۷۶ پرسشنامه در کدام مناطق و به چه تعداد تکمیل گردند.

### روش جمع‌آوری اطلاعات

به منظور جمع‌آوری اطلاعات اولیه مورد نیاز، ابتدا به مرور متون از طریق منابع موجود، تحقیقات و مقالات انجام شده و جستجوی اینترنتی پرداخته شد. پس از فیش‌برداری، کلیه اطلاعات اولیه جمع‌آوری شده، سازماندهی و طبقه‌بندی گردید و اطلاعات اصلی مورد استفاده در پژوهش از پرسش‌نامه‌های توزیع شده در نمونه آماری استخراج گردید.

### ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها

در تحقیقات پیمایشی رایج ترین شیوه جمع آوری اطلاعات، استفاده از پرسشنامه است. پرسشنامه شامل سوالاتی است که پاسخ دهنده با ملاحظه آن ها را پاسخ می دهد. این پاسخ ها، داده های مورد نیاز پرسشگر را تشکیل می دهد. به منظور تهیه پرسشنامه نهایی پژوهش مورد نظر، به مطالعه مباحث نظری پیرامون عنوان پژوهش، تعریف مفهومی متغیر وابسته و مستقل مراجعه و سپس پرسشنامه تهیه و تنظیم گردید.

### نحوه سنجش متغیرهای تحقیق

در این تحقیق برای سنجش متغیر وابسته (میزان قانون‌گریزی یا نگرش به قانون‌گریزی) و متغیرهای مستقل اصلی (ارزش‌های دینی و سنتی، اخلاق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و میزان استفاده از رسانه گروهی) از یک پرسشنامه محقق ساخته (در ۲ صفحه و ۳۲ گویه) برمبنای طیف رنسیس لیکرت (کاملاً موافقم ۴، موافقم ۳، تاحدودودی ۲، مخالفم ۱، کاملاً مخالفم ۰) استفاده شده است. در ضمن، متغیرهای مستقل زمینه ای (جنس، سن، میزان تحصیلات، وضع تاهل، نوع مسکن و ...) نیز در نظر گرفته شدند.

وضعیت پایایی	آلفای کرونباخ	شماره گویه‌ها	تعداد گویه‌ها	متغیرهای اصلی تحقیق	
				متغیر وابسته	متغیرهای مستقل
تایید شد	۰/۸۶	۱۱	۸	میزان قانون‌گریزی یا نگرش به قانون‌گریزی	۷
تایید شد	۷۰/۸۷	۷	۶	ارزش‌های دینی و سنتی	V1
تایید شد	۰/۹۱	۸	۷	اخلاق اجتماعی	V2
تایید شد	۰/۸۶	۹	۷	مسئولیت‌پذیری	V3
تایید شد	۰/۷۹	۱۰	۴	میزان استفاده از رسانه گروهی	V4

### یافته‌های پژوهش

#### یافته‌های توصیفی (آمار توصیفی)

در این بخش، از آمار توصیفی برای تبیین موضوع مورد مطالعه استفاده شد و توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی و سازه‌های پژوهش بر اساس پرسشنامه، محاسبه و تعیین گردید.

#### جنسیت پاسخگویان

طبق جدول ۱، ۴۵ درصد از نمونه ۳۷۶ نفری زن و ۵۵ درصد مرد می‌باشند.

#### سن پاسخگویان

در نمونه ۳۷۶ نفری، بیشترین تعداد (۱۴۷ نفر) در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال و کمترین تعداد (۸۷ نفر) در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال قرار دارند.

جدول ۱: توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی پاسخگویان

فراوانی	متغیرهای مستقل زمینه‌ای	
۴۵	زن	جنسیت پاسخگویان
۵۵	مرد	
۸۷	۱۵ تا ۱۹ سال	گروه‌بندی سن پاسخگویان
۱۴۲	۲۰ تا ۲۴ سال	
۱۴۷	۲۵ الی ۲۹	

### یافته های استنباطی (آزمون فرضیه‌های پژوهش)

در اینجا از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون  $t$  مبتنی بر دو نمونه مستقل و آنالیز واریانس به همراه سطوح معناداری در آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. نتایج مندرج در جدول ۲ و جدول ۳ نشان داده شده است.

### آزمون فرضیه‌های دو متغیره

۱. بین ارزش‌های دینی و سنتی و میزان قانون‌گریزی جوانان رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون ( $r=0/677$ ) و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ( $Sig=0/000$ ) می‌توان گفت که بین ارزش‌های دینی و سنتی جوانان و میزان قانون‌گریزی آنها رابطه مستقیم و قوی وجود دارد. به عبارت دیگر، با تقویت ارزش‌های دینی و سنتی در بین جوانان میزان گرایش به قانون در آنان افزایش می‌یابد.

۲. بین اخلاق اجتماعی و میزان قانون‌گریزی جوانان رابطه وجود دارد.

باتوجه به نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون ( $r=0/496$ ) و سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد ( $Sig=0/000$ ) می‌توان گفت که بین اخلاق اجتماعی جوانان و میزان قانون‌گریزی آنها رابطه مستقیم و متوسطی وجود دارد. به عبارت دیگر، با تقویت اخلاق اجتماعی در بین جوانان، میزان گرایش به قانون در آنان افزایش می‌یابد.

۳. بین مسئولیت پذیری و میزان قانون‌گریزی جوانان رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون ( $r=0/659$ ) و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ( $Sig=0/000$ ) می‌توان گفت که بین مسئولیت‌پذیری جوانان و میزان قانون‌گریزی آنها رابطه مستقیم و قوی وجود دارد. به عبارت دیگر، با تقویت مسئولیت‌پذیری در بین جوانان، میزان گرایش به قانون در آنان افزایش می‌یابد.

۴. بین میزان استفاده از رسانه گروهی و میزان قانون‌گریزی جوانان رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون ( $r=0/400$ ) و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ( $Sig=0/000$ ) می‌توان گفت بین میزان استفاده از رسانه گروهی و میزان قانون‌گریزی رابطه مستقیم و متوسطی وجود دارد. به عبارت دیگر، با استفاده از رسانه‌های گروهی توسط جوانان- با در نظر گرفتن جنبه‌های آموزشی این رسانه‌ها- میزان گرایش به قانون در آنان افزایش می‌یابد.

۵. بین متغیرهای زمینه‌ای (جنس، سن، میزان تحصیلات، وضع تاهل، نوع مسکن و ...) و میزان قانون‌گریزی جوانان رابطه وجود دارد.

باتوجه به نتایج آزمون T و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ( $Sig=0/000$ ) می‌توان گفت:

- بین جنس جوانان و میزان قانون‌گریزی آنها رابطه وجود ندارد ( $T=1/14$ )؛ یعنی میزان قانون‌گریزی جوانان بر حسب نوع جنس آنان یکسان می‌باشد.
- بین میزان قانون‌گریزی بر حسب تحصیلات جوانان تفاوت معناداری وجود دارد ( $T=1/92$ )؛ یعنی با بالاتر رفتن مقطع تحصیلی در بین جوانان، میزان گرایش به قانون در آنان افزایش می‌یابد.
- میزان قانون‌گریزی جوانان بر حسب وضع تاهل، متفاوت بوده و افراد مجرد گرایش بیشتری به قانون‌گریزی دارند ( $T=2/14$ ).
- میزان قانون‌گریزی جوانان بر حسب نوع مسکن، متفاوت بوده و بیشترین میزان قانون‌گریزی در میان افراد دارای مسکن اجاره‌ای و سپس در میان گروه افراد دارای مسکن رهنی بوده است- کمترین میزان قانون‌گریزی در بین افراد دارای مسکن سازمانی مشاهده شده است ( $T=2/16$ ).

جدول ۲: آزمون همبستگی (ضریب همبستگی پیرسون) متغیرهای مستقل اصلی با متغیر وابسته

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل اصلی	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معناداری (p)
قانون‌گریزی جوانان	ارزش‌های دینی و سنتی جوانان	۰/۶۷۷	۰/۰۰۰
	اخلاق اجتماعی جوانان	۰/۴۹۶	۰/۰۰۰
	مسئولیت پذیری جوانان	۰/۶۵۹	۰/۰۰۰
	میزان استفاده از رسانه گروهی	۰/۴۰۰	۰/۰۰۰

جدول ۳: آزمون همبستگی (آزمون T) متغیرهای مستقل زمینه‌ای با متغیر وابسته

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل زمینه‌ای	مقوله‌ها	میانگین	آزمون T	سطح معناداری (p)
جنسیت		زن	۲/۵۶	۱/۱۴	۰/۰۰۰
		مرد	۲/۴۹		
وضع تاهل		مجرد	۲/۱۶	۲/۱۴	۰/۰۰۰
		متاهل	۲/۴۹		
تحصیلات		کم سواد	۲/۳۲	۱/۹۲	۰/۰۰۰
		ابتدایی	۲/۳۹		
		راهنمایی	۲/۴۶		
		دیپلم	۲/۴۹		
		فوق دیپلم	۲/۴۹		
		لیسانس	۲/۶۰		
فوق لیسانس و بالاتر	۲/۶۲				
نوع مسکن		اجاره	۲/۴۹	۲/۱۶	۰/۰۰۰
		رهن	۲/۳۵		
		سازمانی	۲/۱۴		
		شخصی	۲/۲۷		

### بحث و نتیجه گیری

همان گونه که گفته شد، این تحقیق به دنبال شناخت و بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی جوانان است. قانون‌گریزی، رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه نشأت می‌گیرد و قانون‌گریز، کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. در مورد قانون‌گریزی، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است که هر یک از آنها بر عامل خاصی به عنوان علت قانون‌گریزی تأکید دارد. برخی از این نظریه‌ها بر عوامل بوم‌شناختی در ایجاد انحراف تأکید دارند و برخی دیگر

هم عامل ساختاری را در ایجاد انحراف مهم می دانند. از دیدگاه نظریه های خرده فرهنگی، ویژگی های فرهنگی برخی از افراد جامعه آنها را به سوی انحراف می کشاند، اما در مجموع می توان گفت که همه نظریه های مطرح در حوزه قانون گریزی یا بر ویژگی های فردی به عنوان علت انحراف تأکید دارند یا عوامل اجتماعی و ساختاری را در تحلیل انحراف مهم می دانند. افراد جامعه زمانی هنجارهای اجتماعی را رعایت می کنند که یا از طریق فرایند جامعه پذیری هنجارها به آنها آموزش داده شود یا از طریق فرایند کنترل اجتماعی رعایت هنجارها از سوی آنان تضمین شود. آگاه نبودن جوانان از قوانین می تواند تا حدودی موجب قانون گریزی آنها شود. لذا آگاهی جوانان از آن می تواند در جهت قانون گرایی مفید باشد.

## پیشنهادها

با توجه به آنچه گفته شد، پیشنهاد می گردد:

۱. از آنجا که شهروندگرایی و مهارت های شهروندی در پیشگیری از اعمال قانون گریزانه اهمیت بسزایی دارد، لازم است تا از طریق فعال سازی انجمن های محلی و یا تشکل های غیردولتی - با حمایت اداره کل ورزش و جوانان - بتوان الگوی ارتباطات غیررسمی و هنجارمند را برای جوانان فراهم آورد تا از این طریق نظارت های غیررسمی جایگزین نظارت رسمی گردد.
۲. جوانان به دلیل آگاه نبودن از هزینه های قانون گریزی به راحتی مرتکب آن می شوند. از این رو، با ساخت فیلم ها و سریال های مفید و سازنده که در آن لزوم حفظ و احترام همگانی به قوانین توصیه و آموزش داده می شود، می توان تا حد زیادی جوانان را از قانون گریزی باز داشت.
۳. قانون گریزی براساس عمل خنثی سازی تشدید می شود. بنابراین لازم است از طریق اطلاع رسانی رسانه ای موارد قانون گریزی همراه با پیامدهای آن برای افراد از طریق شبکه های محلی گزارش شود تا در نزد افراد پیامدهای منفی قانون گریزی بیش از پیامدهای مثبت آن جلوه نماید.
۴. آموزش های لازم از سوی والدین به فرزندان در خصوص تاکید بر پایبندی و احترام به قوانین و مقررات جامعه ارائه شود.
۵. با گنجانیدن دروسی پیرامون قانون و قانون پذیری در کتاب های درسی مدارس و حتی دانشگاه، احترام به قانون در درون آنها نهادینه شود. بدیهی است که بابهبود نظام آموزشی و همگام کردن آن با ایجاد فرهنگ قانون پذیری در جامعه، از میزان قانون گریزی کاسته خواهد شد.

۶. از آنجا که بخشی از اعمال قانون‌گريزانه در نتیجه احساس فاصله بين افراد طبقات پايين جامعه با ساير طبقات و نهادهای تنظيم‌کننده روابط می باشد، لازم است از طريق شبکه های محلی و با در نظر گرفتن برنامه های خاص و مستمر، مشکلات و مسائل اين مناطق (فقير) از طريق دوربين نمايش داده شود تا ضمن ابراز احساسات و مشکلات مردم، احساس ناکامی ها در قالب بیانات شفاهی تخلیه شود و اين احساس محرومیت نسبی در قالب اعمال خرابکارانه فعال نگردد.
۷. فرهنگ اطاعت و پیروی از قانون در جامعه نهادینه گردد تا بتدریج شاهد رشد و گسترش خودکنترلی و کنترل اجتماعی باشیم.

## منابع

- افروغ، عماد. (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس
- خاتمی، عیسی. (۱۳۷۷). "راهکارهای نهادینه شدن قانون‌گرایی در فرهنگ عمومی". مجموعه مقالات همایش قانون و قانون‌گرایی و تاثیر آن بر فرهنگ عمومی. ارومیه، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رزاقی، نادر. (۱۳۷۸). *توسعه اقتصادی، اجتماعی و قانون‌شکنی در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- رضایی، محمد. (۱۳۸۴). "میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی". مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ششم. شماره ۳.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*. تهران: سروش
- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۸۶). "جامعه‌شناسی کجروی". مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی. تهران: دانشگاه تهران.
- عبدی، عباس. (۱۳۸۱). *نارسایی‌های قانون و حقوق در فرهنگ عمومی در معمای حاکمیت قانون در ایران*. تهران: طرح نو
- علی‌بابایی، یحیی و فیروزجائیان، علی اصغر. (۱۳۸۸). "تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی". فصلنامه دانش انتظامی. شماره چهارم، سال یازدهم.
- علیخواه، فردین. (۱۳۷۸). "نقش صدا و سیما در ترویج رفتار قانونمند". موسسه تحقیقات صدا و سیما، طرح تحقیقاتی.
- علیوردی‌نیا، علی‌اکبر. (۱۳۷۸). "مطالعه جامعه‌شناختی میزان قانون‌ستیزی در مازندران". مجموعه مقالات قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- غلامی، محسن. (۱۳۹۱). "زندگی ایرانی". روزنامه ایران، شماره ۵۲۴۴.
- فخرایی، سیروس. (۱۳۷۸). "بررسی میزان قانون‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن". فصلنامه فرهنگی و اجتماعی شورای فرهنگ عمومی ارشاد اسلامی. شماره ۲۰.



- فولادی، محمد. (۱۳۹۱). "علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی و راه های پیشگیری از آن". مجلات معرفت. شماره ۹۱ صفحه ۱۴
- فیروزجائیان، علی اصغر. (۱۳۸۹). "قانون‌گریزی". فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال یازدهم، شماره ۴۲.
- کرمانشاهیان، ام البنین. (۱۳۷۸). "گرایش به حجاب و برداشت ها از آن در بین دانشجویان دانشگاه دولتی و آزاد اسلامی". پایانامه، دانشگاه الزهرا س.
- کلانتری، صمد؛ ربانی، رسول و صداقت، کامران. (۱۳۸۴). "ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب های اجتماعی". مجله رفاه اجتماعی. شماره ۱۸.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری. تهران: نشر نی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۱). سیاست جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی. منوچهر صبوری. تهران: نی
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۹). بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۸). بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران. تهران: شورای فرهنگ عمومی کشور
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۹). قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- معیدفر، سعید. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر ایران. تهران: سرزمین ما
- معین، محمد. (۱۳۶۷). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار
- هانری لوی برول و دیگران. (۱۳۷۱). حقوق و جامعه‌شناسی. مصطفی رحیمی و دیگران. تهران: سروش
- یعقوبی، صمد. (۱۳۸۱). بررسی پدیده قانون‌گرایی و قانون‌گریزی در بین شهروندان تبریزی. تبریز: مرکز افکار سنجی دانشجویان

# **Sociological Explanation of Factors Affecting Youth Illegality**

## **(14 - 29 year old youth in Borujen)**

**Ali Reza Rabiei**

Master degree in Sociology, Islamic Azad University, Dehaghan Branch, Youth Affairs Expert, Sports and Youth Organization, Chaharmahal Bakhtiari , Iran

**Mehrab Malek Mohammadi**

B. S. degree in Physical Education, Islamic Azad University, Mobarakeh Branch, Head of Human Resources, Sports and Youth Organization, Chaharmahal Bakhtiari , Iran

**Hossein Ali Ghajari**

Ph.D. in Sociology, Head of Payam-e- Noor University, Chaharmahal Bakhtiari , Iran

*Received: 20 Aug. 2016*

*Accepted: 27 Aug. 2016*

One of the most important needs of today's societies is people commitment to social rules in different positions they are. When a group of people ignore social rules and norms of the society, the situation is called law-evading. This study was to investigate the sociological factors affecting young people illegality in Borujen. Social factors include responsibility, religious and traditional values, ethics, gender, marital status, education, housing and use of mass media. Dependent variable is young people illegality which is considered as the main concern in the present study; the dependent variable is investigated in relation to every independent variable. The method applied in the present research is survey and questionnaire carried on 376 young people in Borujen. Data analysis is conducted using descriptive and analytical statistics, in a frequency distribution tables, and inferential statistics applying Pearson's correlation coefficient. The results of the research showed that the variables of responsibility, religious and traditional values, social ethics, use of mass media, marital status, housing and education affect young people illegality in a positive way. But according to the findings of the study, it is shown that the gender variable has no effects on the young people illegality.

**Key words:** Illegality, Religious and Traditional Values, Social Ethics, Responsibility and Media